

بازگشت گروه طالبان و ضرورت تجهیز نیروی هوایی

سرمقاله

اپوزیسیون؛ نقد سیاسی یا سیاه نمایی مطلق

فهیمی

نقد به معنای خرده گیری از کارکردها، رفتارها و برنامه های حکومت و طرح برنامه ها و پلان های جایگزین است. به تعبیر اهل فن و متخصصین، نقد به معنای تفکیک سره از ناسره یا درست از نادرست است. در این صورت افراد، اشخاص و جریان های که نقد سیاسی می کنند، باید، کارکردهای درست و نادرست حکومت را تشخیص دهند. سیاه نمایی مطلق، نقد نیست و نمی توان آن را منصفانه و منطقی تلقی کرد. بنابراین، جریان های اپوزیسیونی در نظام های دموکراتیک، با برشمردن نقطه های ضعف حکومت، راه حل های برنامه های مشخص را مطرح می کند و نیز از نقطه های قوت و مثبت یاد می کند، تا جهت برترنگ کردن آن اقدام گردد. در نتیجه، جان احزاب و جریان های سیاسی منتقد، برنامه و پلان است. بر اساس این برنامه و پلان کارکردهای هیئت حاکم را نقد می کنند، راه حل های لازم را با طرح برنامه های خود پیشکش می کنند و با همان برنامه و طرح به میدان رقابت های انتخاباتی یا می نهند و پیش می روند.

به نظر می رسد که برنامه، پلان و مفکوره سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان حلقه مفقوده در فضای سیاست کشور است. ده ها حزب سیاسی در کشور وجود داشته و فعالیت می کنند و برخی از این احزاب سابقه دیرینه نیز در جامعه دارند، اما، با نگاه به مرام نامه های این احزاب نمی توان تفاوت و اختلاف نظرهای فکری را یافت. همه در مرام نامه های شان دموکراسی خواهی، حقوق زنان، حقوق شهروندی و با توجه به روحیه حاکم از نظام بازار حمایت کرده اند. در این صورت تنها تفاوت و اختلاف که در این جریان ها و احزاب دیده می شود، تفاوت در مهره ها و چهره هاست.

وقتی فصل انتخابات و رقابت های سیاسی گسترده فرا می رسد، احزاب و جریان ها از هم می پاشند، رهبر حزب طرف دار یک نامزد و تیم، و چهره های درشت و تاثیرگذار دیگر طرف دار دیگر نامزد و تیم، اگر برنامه و تفکر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود می داشت، احزاب سیاسی بر مبنای تفکر شکل می گرفت و تیم های انتخاباتی بر مبنای تفکر سیاسی صف بندی می شد، این چنین ریزش ها را شاهد نبودیم.

پس از پایان انتخابات، و تکیه زدن هیئت حاکم بر کرسی قدرت، جریان های سیاسی که به عنوان نیروهای منتقد یا می نهند، نه بر اساس یک برنامه و پلان بلکه بدون برنامه کارکردهای حکومت را نقد می کنند. اساسا فاقد برنامه و پلان هستند.

پس از گذر یک سال و اندی از عمر حکومت وحدت ملی به رهبری چهره های درشت دسته های انتخاباتی تحول و تداوم و اصلاحات و هم گرای، جریان های سیاسی منتقد به عنوان اپوزیسیون عرض اندام کرده اند. نخست شورای حراست و ثبات و دوم جبهه ملی نوین وارد میدان شده و هریک خود را جریان قدرت مند اپوزیسیونی می دانند. شورای حراست و ثبات از نام اش پیداست که حکومت را در حفظ و حراست از دستاوردها و ثبات سیاسی یا تامین ثبات ناکام می داند. اما خود نیز برنامه مشخص ارائه نکرده است.

اکثریت حاضر در این جریان بلندپایگان حکومت قبلی هستند و این پرسش درشت در برابر شان خود نمایی می کند که در زمان که در قدرت بودند چه کردند؟ جریان بعدی جبهه ملی نوین، به رهبری انور الحق احدی وزیر تجارت قبلی، است. این جریان حکومت کنونی را مطلق و صد فی صد ناکام ارزیابی می کند. بررسی این جریان به حدی نا امید کننده است که خواهان برگزاری زودهنگام انتخابات ریاست جمهوری است.

بنابراین، ضمن حرمت نهادن به حرکت های انتقادی سیاسی که بدون شک در امر نظارت سیاسی کمک خواهد کرد، احزاب، جریان ها و ائتلاف های سیاسی کنونی فاقد برنامه هستند. زمان که برنامه و مفکوره مفقود باشد، مبنای شکل گیری ائتلاف ها و جریان های سیاسی منافع فردی یا خیلی گسترده تر گروهی و تیمی است.

از ایجاد ساختار اردو و پلیس ملی بیش از یک دهه می گذرد اما تا هنوز واحد نیروی هوایی در ساختار و چارچوب اردو و پلیس ملی کشور به صورت سازمان یافته آن شکل نگرفته است. این بزرگترین خلاء ممکن در ساختار نیروی هوایی امنیتی کشور محسوب می شود. وجود این فقدان سبب شده است که نیروی هوایی امنیتی کشور برای سرکوب و منکوب کردن گروه های تروریستی از نیرو های بین المللی مستقر در افغانستان کمک بخواهد. چندی پیش، وقتی شهر کندز به دست شورشیان و گروه های دهشت افکن سقوط کرد، باز پس گیری این شهر تنها با کمک هوایی نیرو هسای بین المللی ممکن گردید. ولسوالی سنگین ولایت هلمند نیز با کمک هوایی نیرو های بین المللی باز پس گرفته شد. این رویداد ها نشان می دهد که واحد نیروی هوایی در چارچوب اردو و پلیس ملی یک ضرورت جدی است. ایالات متحده آمریکا و همیمانان شان اگر چه متعهد به حمایت، تجهیز و آموزش نیرو های امنیتی افغانستان می باشد اما، تا هنوز اقدام اساسی و جدی در راستای ایجاد نیروی هوایی افغانستان ننموده است. در تازه ترین مورد، چندی پیش رئیس جمهور با هیئت سنای ایالات متحده آمریکا دیدار کرد و آن ها متعهد به حمایت از نیروی هوایی افغانستان شد. در ذیل تلاش می کنیم این مسئله را به بحث بگیریم.

با حمله آمریکا و دیگر کشورهای عضو ناتو به افغانستان امارت اسلامی طالبان در فرصت کم سقوط کرد. آمریکا و دیگر کشور های عضو ناتو جنگ افغانستان را پایان یافته می دانستند. به همین خاطر، با خیال آسوده طرح حمله به عراق را سازماندهی نمودند. آن ها در دو سال نخست حضور خود در افغانستان کمتر مسئله ایجاد اردو و پلیس ملی و آموزش و تجهیز آن ها جدی گرفتند. سال ۲۰۰۳ میلادی ما به نوعی به بازگشت دوباره گروه طالبان مواجه شدیم. به عبارت دیگر، با مصروف شدن آمریکا و برخی کشورهای عضو ناتو در عراق گروه طالبان دوباره دست به سازماندهی زدند و حملات خود را آغاز نمودند. به تعبیر آن کنفرانس تکیو به منظور حمایت و تمویل و تجهیز پلیس و اردوی ملی افغانستان برگزار شد. آمریکا و کشور های عضو ناتو

علی قادری



نیروی هوایی کشور آن ها متحمل هزینه بیشتری خواهد شد. آن ها در کنار اینکه باید نیرو های هوایی کشور را تقویت، تجهیز و آموزش دهد تا آمادگی کامل این ها لازم است که از نیرو های امنیتی کشور در میدان جنگ نیز حمایت و پشتیبانی نماید. این هزینه است که نیرو های بین المللی در افغانستان می پردازد.

اگر بخش از مسئله مربوط به جامعه جهانی می شد بخش دیگر مربوط به حکومت افغانستان می شود. واقعیت این است که ما قادر به متقاعد کردن جامعه جهانی برای ایجاد نیرو های هوایی مستقل، مجهز و آموزش دیده نبوده ایم. ما دیپلماسی و سیاست در این مورد نداشته ایم. از زمان شکل گیری حکومت موقت تا آخرین روز های حکومت حامد کرزی ما طرحی مبنی بر ایجاد یک نیروی هوایی مستقل نداشته ایم تا ایس نبرو بتواند در میدان جنگ حامی نیرو های امنیتی زمینی ما باشد و ما نیازمند حمایت و پشتیبانی نیرو های بین المللی مستقر در افغانستان نباشیم.

در حکومت وحدت ملی نیز به جای تمرکز به این مسئله تلاش بیشتر روی پروسه صلح می شود. اولویت اول حکومت وحدت ملی پروسه صلح است تا تقویت و آموزش نیرو های هوایی کشور. در دیدار رئیس جمهور با هیئت سنای آمریکا اگر چه روی مسئله تقویت نیرو های هوایی کشور صحبت شد اما طرحی از سوی حکومت ارائه نگردیده است. بنابراین، اکنون نیز ما راهی را می رویم که در گذشته رفته ایم.

سال گذشته و سال پیش رو بدون شک، سال دشواری برای حکومت وحدت ملی، مردم افغانستان و نیرو های امنیتی کشور است. نیرو های امنیتی کشور در سال گذشته و سال پیش رو هزینه اشتباه استراتژی جامعه جهانی در قبال نیرو های امنیتی کشور و هزینه دستگاه دیپلماسی منفعل حکومت افغانستان را پرداخت/ می پردازد. جامعه جهانی تا تأخیر زیاد به ایجاد اردو و پلیس ملی پرداخت و هزینه آن را متحمل شد اما آن ها و حکومت افغانستان تأخیر زیادی در ایجاد، تقویت و تجهیز نیروی هوایی کشور داشتند. اکنون ما هزینه این تأخیر و استراتژی اشتباه و دستگاه دیپلماسی منفعل را می پردازیم.

به اشتباه خود مبنی بر بی توجهی به ایجاد اردو و پلیس ملی، آموزش و تجهیز آن ها بی بردن. آمریکا در همین کنفرانس متعهد شد که اردوی ملی افغانستان را آموزش و تجهیز می سازد. آلمان و جاپان تعهد سپرد که پلیس ملی را آموزش و تجهیز می سازد. در سال های بعد ایالات متحده آمریکا آموزش و تجهیز اردوی ملی افغانستان یکی از برنامه های مهم امنیتی خود در افغانستان به شمار آوردند. اما آلمان و جاپان قادر به انجام مسئولیت خود در قبال پلیس ملی نشدند. به عبارت دیگر، پلیس ملی کشور آموزش ندیده باقی ماند. بعد ها ایالات متحده آمریکا مسئولیت آموزش و تجهیز پلیس ملی را نیز به عهده گرفت.

در سال ۲۰۰۷ میلادی جامعه افغانستان شاهد بازگشت پر قدرت گروه طالبان بود. فعالیت این گروه در سراسر افغانستان افزایش یافت. دقیقاً در همین زمان جامعه جهانی و حکومت افغانستان متوجه شد که پولیس ملی آموزش ندیده باقی مانده است

و از ظرفیت پایین در مبارزه با تروریسم افغانستان تیره و تار بوده است و آن ها اکنون گروه طالبان دوباره بازگشته است. این بار اما، متفاوت از دفعات قبل عمل نموده است. آن ها توانست شهر کندز را به دست گیرد. ولسوالی سنگین ولایت هلمند را نیز از کنترل نیرو های امنیتی کشور خارج سازد. با وجود اینکه نیرو های امنیتی کشور شهر کندز و ولسوالی سنگین ولایت هلمند را باز پس گرفتند اما این کار بدون حمایت و پشتیبانی نیرو های هوایی نیرو های بین المللی مستقر در افغانستان سخت و دشوار بود. دقیقاً همین مسئله نمایانگر آن است که جامعه جهانی و حکومت افغانستان در این بخش کوتاهی نموده است.

بخش از مسئله بر می گردد به جامعه جهانی. زیرا، ایجاد و حفظ یک واحد مستقل در چارچوب نیرو های امنیتی کشور بدون حمایت مالی و تکنیکی جامعه جهانی ممکن نیست. چشم انداز جنگ

به اشتباه خود مبنی بر بی توجهی به ایجاد اردو و پلیس ملی، آموزش و تجهیز آن ها بی بردن. آمریکا در همین کنفرانس متعهد شد که اردوی ملی افغانستان را آموزش و تجهیز می سازد. آلمان و جاپان تعهد سپرد که پلیس ملی را آموزش و تجهیز می سازد. در سال های بعد ایالات متحده آمریکا آموزش و تجهیز اردوی ملی افغانستان یکی از برنامه های مهم امنیتی خود در افغانستان به شمار آوردند. اما آلمان و جاپان قادر به انجام مسئولیت خود در قبال پلیس ملی نشدند. به عبارت دیگر، پلیس ملی کشور آموزش ندیده باقی ماند. بعد ها ایالات متحده آمریکا مسئولیت آموزش و تجهیز پلیس ملی را نیز به عهده گرفت.

در سال ۲۰۰۷ میلادی جامعه افغانستان شاهد بازگشت پر قدرت گروه طالبان بود. فعالیت این گروه در سراسر افغانستان افزایش یافت. دقیقاً در همین زمان جامعه جهانی و حکومت افغانستان متوجه شد که پولیس ملی آموزش ندیده باقی مانده است

ترفندهای تازه قاچاقبران برای انتقال پناهجویان به استرالیا

حسین بهمن



میلادی چشم امید دوخته بودند و تلاش داشتند که پناهجویان را وادار کنند که برای پایان سال ۲۰۱۵ و آغاز سال ۲۰۱۶ میلادی آماده سفر به استرالیا باشند. اما تداوم سختگیرانهای حکومت استرالیا علیه مهاجر نهایی غیرقانونی تمامی نقشه های قاچاقبران انسان را نقش براب کرد. همزمان با آغاز سال نو میلادی حکومت استرالیا اعلام کرد که از تمامی نقشه های قاچاقبران انسان آگاهی یافته و به همین اساس تدابیر خود را برای جلوگیری از ورود پناهجویان غیرقانونی به ابهای استرالیا چندین برابر کرده است. جنرال اندرو باتنل فرمانده عملیات حفاظت از مرزهای استرالیا گفت که نیروهای تحت امر وی پس از آنکه آگاهی یافتند که قاچاقبران میخواستند با استفاده از رخصتیهای کریسمس پناهجویان را به صورت گسترده به استرالیا انتقال دهند، تدابیر شانرا به صورت بی

سابقه ی افزایش داده و حتی در جریان رخصتیهای کریسمس نیروهای بحری استرالیا که مسئول حفاظت از مرزهای استرالیا هستند به صورت بیست و چهار ساعته در حال مانوریت خواهند بود. حقیقت این است که راه های استرالیا بروی پناهجویان غیرقانونی در حال حاضر به کلی مسدود است و حکومت استرالیا هیچ پلانی برای تغییر این پالیسی روی دست ندارد. حکومت استرالیا همچنان مصمم است که با تداوم این راهکار دیگر برای همیشه با بحران پناهجویان غیرقانونی درین کشور خدا حافظی کند. استرالیا دوسال پی در پی است که شاهد ورود پناهجویان غیرقانونی به این کشور نیست. هرچند بحران پناهجویان به یک مسئله جدی در سطح بین المللی تبدیل شده است اما حکومت استرالیا توانسته است که به تنهایی این بحران را مهار کند. طی دوسال گذشته هیچ کشتی حامل پناهجویان غیرقانونی موفق نشده است که وارد استرالیا شود. به همین ترتیب امارات و نیوزیلند از سوی استرالیا انسان بارها در میان تبلیغ شده بود، این در حالیست که حکومت استرالیا با پایان سال ۲۰۱۵ میلادی در پالیسی مهاجرتی خود نیز تجدید نظر خواهد کرد. قاچاقبران انسان سعی میکردند در میان مردم تبلیغ کنند که پالیسی سختگیرانه حکومت استرالیا برای سالیهای طولانی قابل تطبیق نیست و این کشور سرانجام به این پالیسی پایان خواهد داد. آنان به پایان سال ۲۰۱۵

سالیهای گذشته به یک شغل پر در آمد برای قاچاقبران انسان تبدیل شده بود. قاچاقبران انسان با استفاده از مجوریت های پناهجویان انسان را در بدل پولهای هنگفتی با استفاده از کشتیهای کهنه و فرسوده از طریق ابهای طوفان گردی استرالیا میفرستادند که تعدادی زیادی از پناهجویان قبل از رسیدن به استرالیا در اب غرق میشدند. اما پس از آنکه در نتیجه اتخاذ تدابیر سختگیرانه از سوی حکومت استرالیا راه های استرالیا بروی پناهجویان غیرقانونی مسدود شد قاچاقبران انسان در واقع شغل شانرا از دست دادند. طی دوسال گذشته که راه های استرالیا بروی پناهجویان غیرقانونی مسدود شده است، قاچاقبران انسان سخت تلاش میکنند که با استفاده از ترغندهای گوناگون ببار دیگر جان پناهجویان را به خطر انداخته و آنان را از راه های غیرقانونی به استرالیا بفرستند. ماه گذشته میلادی حکومت استرالیا اعلام کرد که قاچاقبران انسان در تلاش بوده اند تا بسا استفاده از رخصتیهای کریسمس پناهجویان را به استرالیا انتقال دهند که حکومت استرالیا در اسرع وقت ازین تصمیم قاچاقبران آگاهی یافته و برنامه های آنان را برهم زده است. این در حالیست که پیش ازین نیز بارها قاچاقبران انسان شایعات گوناگونی را برآه انداخته بودند تا بتوانند پناهجویان را قریب داده و پولهای آنان را بدست آورند. پس از آنکه مالکوم ترنبل به عنوان نخست وزیر

نیز با خود برده اند. آمار دقیق پناهجویانی که دستکم از سال ۲۰۰۰ به بعد به استرالیا رسیده اند معلوم نیست اما گفته می توانیم که ده ها هزار پناهجویی این مدت وارد استرالیا شانده اند. حقیقت این است که اکثرین پناهجویان مهاجر واقعی نبوده و حتی بسیاری آنان تصمیم رفتن به استرالیا نداشته اند اما در نتیجه تبلیغات گسترده قاچاقبران انسان تصمیم گرفته اند که کشورهای اصلی شانرا ترک کرده و کشوری دیگری را برای زنده گی شان بر گزینند. ماه گذشته میلادی پیتر داتن وزیر مهاجرت و سرحدات استرالیا اعلام کرد که در خواست پناهنده گی حدود هشتاد در صد از پناهجویانی که در کمپ های این کشور بسر میبرند رد شده است به این معنی که آنان پناهجویان واقعی نبوده بلکه کسانی بوده اند که صرف خواسته اند برای شان کشور دیگری انتخاب کنند. این مسئله نشان میدهد که اکثر کسانی که طی پانزده سال گذشته به استرالیا رفته اند به دلیل مجوریت نه بلکه به این دلیل بوده است که کشور استرالیا را نسبت به کشور خود شان ترجیح داده اند. حکومت استرالیا میگوید که در گذشته حتی پناهجویانی که به صورت غیر قانونی وارد استرالیا شده بودند نیز در این کشور پذیرفته شده اند اما با آمدن حکومت به رهبری تونی ابوت تمام تلاشها بر این بوده است که به پناهجویانی که به صورت غیرقانونی وارد استرالیا میشوند پناهنده گی داده نشود. ورود سیل اسای پناهجویان به استرالیا طی



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله ییاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

